

مدائن

مدخل «مدائن» از دانشنامه اسلام (لایدن)^۱

نوشته م. استرک و مایکل گ. مورونی

Al-Madā'in

M. Streck & Michael G. Morony

Encyclopédie de l'Islam (Leiden)

Translated by

Somayeh Hamidi

M. A. Graduate, Iranology

University of Tehran

مترجم:

سمیه حمیدی

دانش آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی

دانشگاه تهران



مدائن به معنای شهرها (جمع شهر)، ترجمه عربی از کلمه آرامی ماحوزه^۲ یا مدینا^۳، کلان‌شهری متعلق به دوره ساسانی است که در کرانه رود دجله، سی کیلومتری جنوب شرق بغداد کنونی قرار گرفته است؛ چندین شهر مجزا که در امتداد دو ساحل رودخانه گسترش یافته بودند، و توسط پلی از قایق به یکدیگر متصل می‌شدند. این منطقه، پایتخت اداری شاهنشاهی، اقامتگاه زمستانی پادشاه، و محل اقامت رأس‌الجالوت یهودیان و جاثلیق مسیحیان نسطوری بود. در میان جمعیتی مختلط از آرامی‌ها، ایرانی‌ها و یونانیان؛ یهودیان، مسیحیان و زردشتیان نیز بودند. مناطق مسکونی، صنعتی و تجاری این کلان‌شهر، سرشار از کاخ‌ها، ویلاها، پارک‌ها، باغ‌ها، ساختمان‌های تشریفاتی، بناهای تاریخی و زمین‌های خالی از سکنه بود.

[...] تیسفون قدیمی‌ترین شهر [از این شهرها] در سده یکم پیش از میلاد توسط اشکانیان بر روی کرانه شرقی ساخته شده بود و «شهر کهن» (عربی: المدينة العتیق) نامیده می‌شد؛ در آنجا اقامتگاه قدیمی سلطنتی، کوشک سفید (عربی: قصر الأبيض)، قرار داشت و این شهر مرکز اداری محلی بود. در همان نزدیکی، منطقه مسکونی آسپانبر^۴ در پایان دوره ساسانی شکل گرفته و البته بدون محاصره دیوارها در طول تاریخ گسترش فراوانی یافته بود. در آنجا بود که تالاری بزرگ باشکوه (ایوان کسری)، یک مجموعه کاخ، یک حمام، یک خزانه؛ و شاید یک ضرابخانه، یک شکارگاه و اصطبل‌هایی ساخته شد. پنج کیلومتر دورتر، خسرو اول در سال ۵۴۰م شهر وه‌آندیوک خسرو^۵ (عربی: الرومية) را تأسیس، و در آنجا اسیرانی که در انطاکیه سوریه گرفته شده بودند را

1. dx.doi.org/10.1163/9789004206106_eifo_SIM_4725

2. Māhōzē

3. Medīnāthā

4. Aspānbur (فرانسوی); Aspanbar (انگلیسی); Asbanabr (آلمانی)

۵) انطاکیه خسرو؛ رومگان (Rumagan)؛ Veh Antiokh-i Khusraw (فرانسوی)؛ Weh Andiog-Husraw (انگلیسی).

زندانی کرد. این شهر که زمین مسابقه اسب‌سواری و حمام مخصوص خود را داشت، در اواخر قرن ششم میلادی، به‌صورت یک مرکز اداری محلی با سی‌هزار نفر جمعیت درآمد.

حدود ۲۳۰م در کرانه غربی، شهر دایره‌مانندی توسط اردشیر اول به نام وهاردشیر ساخته شد که عرب‌ها به آن به‌رَسیر و یهودیان ماحوزه و مسیحیان کوخه می‌گفتند. بافت جمعیت آن عمدتاً تجاری و صنعتی بود؛ در غرب دجله، یک مرکز اداری محلی بود که ضرابخانه خود را داشت و در آنجا کلیسای جامع جاثلیق قرار گرفته بود. یهودیان ثروتمند بسیاری در این شهر ساکن بودند، همچنین این شهر محل اقامت رأس الجالوت بود؛ اما بخشی از شهر در قرن ششم رها شده بود. سباط^۶ تقریباً در پنج‌کیلومتری جنوب وهاردشیر، که پل طاق‌زده بین نهرالملک و دجله را در بر دارد، گاهی اوقات در پهنه کلان‌شهر در نظر گرفته می‌شود.

در ماه صفر سال ۱۶ق/ مارس ۶۳۷م، زمانی که مدائن به دست عرب‌ها افتاد؛ خانواده سلطنتی ساسانی، اشراف و ارتش گریختند. چندین سرباز به اسارت گرفته و خزائن سلطنتی به میزان زیادی غارت شدند. ساکنین کوشک سفید با سعد بن ابی‌وقاص در ازای پرداخت جزیه، پیمان صلحی امضا کردند، و این شرایط در مورد جمعیت باقی‌مانده شهر نیز اعمال شد تا جایی که ساکنین الرومیه جداگانه با عرب‌ها قرارداد صلح امضا کردند. سعد کوشک سفید را اشغال کرد و ارتش خود را در منازل خالی اسکان داد. هنگامی که نیروها می‌رفتند در مقرهای دائمی خود در کوفه مستقر شوند، درهای خانه‌هایشان در مدائن را با خود بردند.

جمعیت بومی بلافاصله پس از فتح، نسبتاً ثابت ماند. در سال ۳۷ق/ ۶۵۷م دهقانان (اشراف) ایرانی، رأس‌الجالوت و جاثلیق‌ها در آنجا ماندند و در انتهای سده اول ق./ ابتدای سده هشتم م.، این منطقه مرکز مانویان نیز محسوب می‌شد. تغییر عمده، جایگزینی طبقات برتر ساسانی با بخش کوچکی از عرب‌های مسلمانی بود که از کوفه آمده بودند (سیصد سوارکار در ۴۳ق/ ۶۶۳م، هزار سوارکار در ۶۷ق/ ۶۹۵م) که توسط اشراف کوفی رهبری می‌شدند. رهبران قبایل آزد و مسلمانان در اولین ساعتی که زنان شهر را به ازدواج خود درآوردند، به اموال (زمین‌های) آنها دست یافتند. مسجد بزرگ مسلمانان در شهر کهن (المدينة العتیق) واقع بود.

در ابتدای دوره اسلامی، مدائن کلید قلمرو کوفه محسوب می‌شد، چراکه جاده اصلی به سمت شرق را کنترل می‌کرد و مرکز اداری منطقه دیاله تحت نظر دولت کوفه بود. سلمان فارسی که در زمان خلافت عثمان در مدائن از دنیا رفت (۲۳-۳۵ق/ ۶۴۴-۶۵۶م)، یکی از اولین امرای این منطقه بود؛ حذیفه بن الیمان، اولین مأمور مالیاتی مدائن در زمان خلیفه دوم، عمر، نرخ مالیات را برای دیاله تعیین کرد. او در سال ۳۶ق/ ۶۵۷م در مدائن از دنیا رفت. با این حال، فرمانروایان قدیمی‌تر شهر اغلب همزمان به امور نظامی، فرهنگی و مالی می‌پرداختند و در کوشک سفید اقامت داشتند. شهر کهن همچنین ضرابخانه‌ای داشت که درهم‌های زمان امویان بعد از اصلاح پول، در آن ضرب می‌شد.

مسلمانان مدائن در نتیجه روابطشان با کوفه، طرفدار خاندان علی و ضد خوارج بودند. سعد بن مسعود،

(۶) بلاش‌آباد؛ Valashabad (انگلیسی)؛ Vologasias (آلمانی).

فرماندار تحت خلافت علی^(ع) (۳۶-۴۰ ق/ ۶۵۶-۶۶۰م) در سال ۳۷ ق/ ۶۵۷م از شهر در برابر خوارج دفاع کرد. در سال ۴۱ ق/ ۶۶۱م حسن بن علی از کوفه خارج و پیش از انعقاد توافق خود با معاویه، در کوشک سفید ساکن شد. در سال ۴۳ ق/ ۶۶۴م، سیماک، فرماندار شهر، مانع عبور خوارج المستورد از بهرسیر به سمت شهر شرقی شد. مسلمانان مدائن از خاندان علی در طول فتنه دوم حمایت کردند و در سال ۶۵ ق/ ۶۶۴م، سعد بن حدیفه که مدتی طولانی قاضی بود، به توایین به رهبری سلیمان بن صُرد با ۱۷۰ شیعه کوفی که در مدائن بودند، پیوست. شیعیان این شهر هنگامی که خوارج آزارقه آنها را غارت و جمعیت مسلمانان را در ۶۸ ق/ ۶۸۷م قتل عام کردند، با عواقب حزبی‌نگری خود مواجه شدند. شیب [از خوارج] نیز در سال ۷۶ ق/ ۶۹۶م این شهر را اشغال کرد. در قرن دوم ق./ هشتم م.، شیعیان مدائن از افراطیون (غلات) بودند. در همانجا بود که فرقه حارثیه، که معتقد بود هرکسی که امام را می‌شناسد، می‌تواند به میل خود عمل کند، تأسیس شد. این فرقه از قیام علویان در سال ۱۲۶ ق/ ۷۴۴م حمایت کردند. افراط‌گرایان اسحاقیه نیز در قرن ۴ ق/ ۱۰م در آنجا بودند.

اگرچه منصور موقتاً در سال ۱۳۷ ق/ ۷۵۴م در الرومیه -جایی که ابومسلم کشته شد- ماند؛ اما مدائن اهمیت سیاسی و تجاری خود را بعد از تأسیس شهر بغداد در ۱۴۵ ق/ ۷۶۲م از دست داد. مهمترین بخش جمعیت، جاثلیق و رأس‌الجالوت در پایتخت جدید ساکن شدند. بخشی از کوشک سفید توسط منصور تخریب شد و علی‌رغم دستور بازسازی آن در سال ۱۵۸ ق/ ۷۷۵م، به‌صورت خرابه باقی ماند. تخریب توسط المکتفی (۲۸۹-۲۹۵ ق/ ۹۰۲-۹۰۸م) در سال ۲۹۰ ق/ ۹۰۳م به پایان رسید و مصالح آن در ساخت کاخ تاج در بغداد به کار برده شد. در سده سوم ق./ نهم م.، اهمیت مدائن بیشتر در بخش کشاورزی بود. [این شهر] قاضی مجزا نداشت و منصب قضاوت آن با بغداد و سایر شهرها مشترک بود. در این دوره، مقبره‌های سلمان، نزدیک ایوان و حدیفه نزدیک رودخانه در شهر اسپانبر ساخته شد. در قرن چهارم ق./ دهم م.، الرومیه از بین رفته بود، اما بخشی از شهر در کرانه شرقی، با ساختمان‌های آجری، بازارها و دو مسجد بزرگ، حومه بغداد را تشکیل می‌داد، درحالی‌که آتشکده‌ای بزرگ در کرانه غربی باقی مانده بود.

در سده‌های ششم و هفتم ق./ دوازدهم و سیزدهم م.، همچنان شهری کوچک در کرانه شرقی وجود داشت. ساکنان خود شهر امر قضا را بر عهده داشتند و مقبره سلمان پانزدهم شعبان هر سال توسط اهل سنت و در زمان‌های مختلف توسط شیعیان زیارت می‌شد. در کرانه غربی، روستایی متعلق به شیعیان امامیه وجود داشت، و سکه‌های یافت‌شده در تل بارودا^۷ نشان می‌دهند که بهرسیر تا سده هفتم ق./ سیزدهم م. همچنان پابرجا بوده؛ این شهر کوچک تا سده‌های هشتم و نهم ق./ چهاردهم و پانزدهم م.، مرکزی شیعی باقی ماند.

مقبره سلمان توسط سلطان مراد چهارم (۱۰۳۲-۱۰۴۵ ق/ ۱۶۲۳-۱۶۴۰م) بازسازی شد و مجدداً در سال ۱۹۰۴-۱۹۰۵م. مورد تعمیر قرار گرفت. روستای سلمان‌پاک که در دوره اخیر اطراف مقبره ساخته شده، دارای کاروانسراهایی است برای اقامت زائران شیعه؛ زمانی که بخواهند دیگر مقابر عراق را زیارت کنند.

در تاریخ ۲۲-۲۳ نوامبر ۱۹۵۱م در نبرد تیسفون، ترک‌ها با توقف پیشروی به سمت بغداد بر روی خطی از شرق ویرانه‌های ایوان کسری، ارتش آنکلو-هندی به فرماندهی ژنرال تاونزند^۸ را شکست دادند.

7. Tall Baruda

۸ سال درگذشت سلطان مراد چهارم ۱۰۴۹ ق است و نویسنده اشتباه کرده است.

9. Townshend